

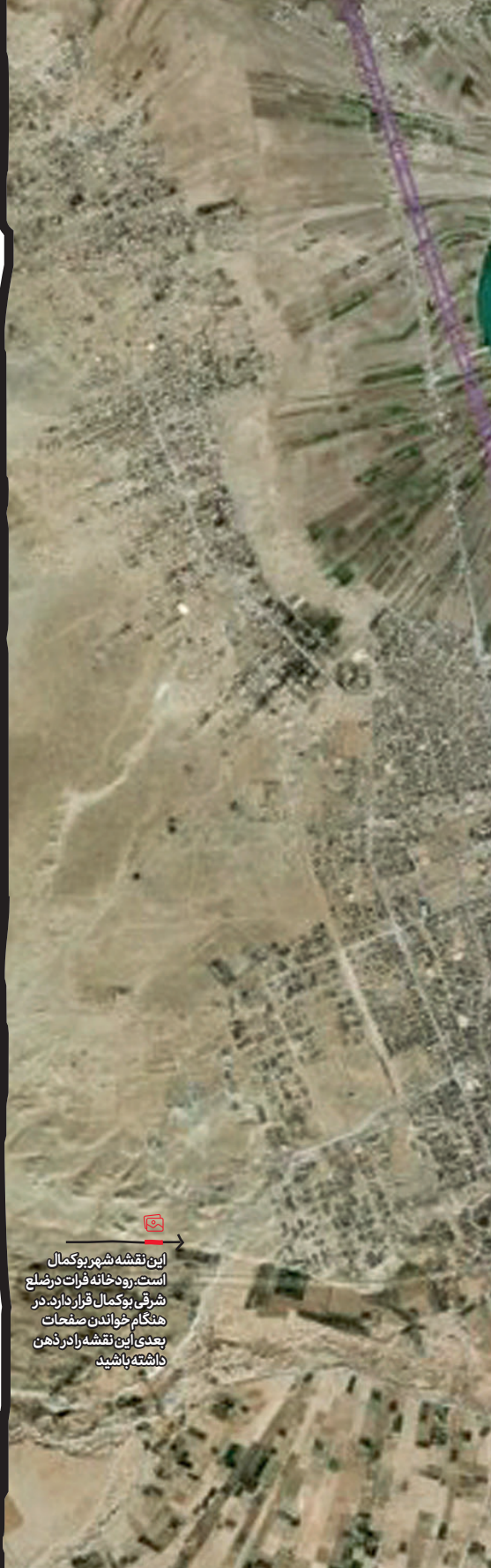


زینب فروزنده



شده بود فرمانده
ارشد نظامی
قرارگاه قدس در
شرق کشور. قول
داده بود امنیت
منطقه را تامین
کند. برای سرکشی
رفته بود یکی
از پاسگاه‌های
انتظامی. باتک
به تک سربازها
دست داده و بعد
هم نشسته بود
با آنها غذا خورده
بود. فرمانده
پاسگاه گریه‌اش
گرفت.

حکومت و دولت وقتی به پایان می‌رسد که دیگر جغرافیا نداشته باشد. زمین نداشته باشد. زمین و جغرافیا را که از یک حکومت بگیرید دیگر جای پای ندارد برای حکمرانی. برای همین هم بود که گرفتن تمام مناطق جغرافیایی تحت اشغال داعش به عنوان مقدمه اصلی نابودی این حکومت محسوب می‌شد. همین هم باعث شده بود که هم‌وغم اصلی محور مقاومت، گرفتن تمام اراضی اشغالی از آن باشد. با گرفتن این اراضی، داعش دیگر نه یک حکومت بلکه یک گروه پارتیزانی و چریکی بود که امکان توسعه و گسترش از آن گرفته می‌شد. بوکمال آخرین منطقه شهری و حاکمیتی داعش محسوب می‌شد. فرو ریختن این دژ به معنای منهدم شدن حکومتی داعش بود. چنانچه این اتفاق می‌افتد بعد از آن داعش دیگر نه در مقام یک دولت و حاکمیت بلکه به اندازه یک گروه کوچک تروریستی بود با نیروهای معدود. ابو کمال، آخرین مقر جغرافیایی داعش بود. به همین دلیل تلاش و انگیزه زیادی برای حفظ آن داشت. طراحی لایه‌های متعدد دفاعی و پدافندی برای حفظ بوکمال نه به معنای حفاظت از یک شهر بلکه به معنای حفاظت از یک دولت بود. سقوط بوکمال، سقوط دولت داعش بود. سوی دیگر قضیه هم محور مقاومت بود. برای مقاومت، فتح بوکمال به معنای کندن ریشه داعش بود. همین هم باعث شد تا مقاومت تمام بود و نبود خود را برای کندن این ریشه به بوکمال بیاورد. آنچه در صفحات بعد خواهید خواند، روایت اختصاصی جام جم از لحظات نخست فتح بوکمال است که جزئیات آن در گفت‌وگو با رزمندگان و فرماندهان مقاومت گرفته شده است.



این نقشه شهر بوکمال است. رودخانه فرات در ضلع شرقی بوکمال قرار دارد. در هنگام خواندن صفحات بعدی این نقشه را در ذهن داشته باشید